

بسم الله الرحمن الرحيم

طرح فیلمنامه مستند

## اوخشامالار

نویسنده: علی فردی

تقدیم به مادران داغدار میهنم)

اوخشامالار اشعار شاعران بدون دفتر و قلم؛ مادران داغدار میهن است.

مادرانی که در فراق و سوگ فرزندان شهیدشان شاعر شده اند.

اوخشامالار در هیچ کتاب و دفتری ثبت نگردیده و جایگاهش فقط در قلب های شکسته است.

هنگامی که مادری در سوگ جگر گوشه اش می نشیند نجواها و واگویه ها و مرثیه ها در قالب اوخشامالار جاری می شود.

اوخشامالار سینه به سینه از قلبی شکسته و اندوهگین در سوگ عزیزی بر قلب اندوهگین دیگری رسیده است و چه بسیار مادران داغدار شهیدان میهن با اوخشامالار در خلوت و تنهایی خود سوگواری جگر گوشه هایشان بودند.

اوخشامالار در واقع هم شعر است هم موسیقی.

آهنگی که در لحن و بیان ساخته می شود.

اوخشامالار هرچند اشعاری بسیار ساده و روان و عامیانه شاعرانه است ولی بار عاطفی آن بیشتر از عمق روح و روان سراینده با لحن و زبان آهنگین جاری می شود و به یک موسیقی حزن انگیز تبدیل می شود.

فارغ از بار مفهومی اشعار که شاعرانه و ساده است با آمیختن لحن آهنگین، هر مخاطبی را حتی اگر مفاهیم برایش نامفهوم باشد تحت تأثیر قرار می دهد.

ادبیات اوخشامالار بسیار ساده و روان است.

معمولاً در ترجمه مفاهیم حسی و عاطفی آثار هنری در هر زبانی هرگز به عمق تأثیر روانی مطلوب اثر پی نمی بریم ولی در هر صورت قابل تأمل و ارزشمند است.

در اوخشامالار سعی خواهد شد به مادر و شهید میهن پرداخته شود ولی تلاش بر این خواهد بود برخی از اشعار در نهایت به صورت پررنگ و چشمگیر به شهیدان واقعه عاشورا در هم آمیزد.

علاوه بر اوخشامالار که مختص آذری زبانهاست و در نوحه و مرثیه ایام ماه محرم نیز در اوج سوگواری مرتبط با موضوع از آن استفاده می شود و طرفداران زیادی دارد چنانکه متناسب باشد از معادل اوخشامالار در زبان هم میهنان کرد و سایر اقوام در صورت نیاز استفاده خواهد شد.

هر آنچه ذکر گردید در رابطه با صدای آهنگین و نجواها و زمزمه ها در سوگ شهیدان که گاهی با افکت های صوتی باد، باران و رعد و برق همراه خواهد بود. در صورت نیاز از آهنگ های مناسب و مکمل استفاده خواهد شد.

تصاویر ترجمان اشعار و احساسات خواهد بود.

تصاویر مادران شهیدان رشیدی که گاهی بعد از ۲۰ سال با اجساد بی‌حجم و اندازه قنداق یک نوزاد در بغل مادر که برایش لالایی و اوخشامالار خواهند خواند.  
و البته مفقودالائیهایی که هیچ نشانی از آنها نیست و تنها چشمان کم سو و منتظر مادران که به جاده‌های خالی دوخته شده اند و هنوز منتظرند ....

در اوخشامالار تمام اشعار به صورت جامع جمع آوری خواهد شد و با تجهیزات کاملاً حرفه‌ای صدا و تصویر، اثری آبرومند، ماندگار و قابل تأمل بدون تاریخ مصرف و منبعی ارزشمند ثبت و ضبط خواهد شد.

فیلم به مدت زمانی حدود ۳۰ دقیقه تولید و زیرنویس فارسی و در صورت نیاز عربی خواهد داشت.

بنام خدا

«ضمیمه طرح اولیه»

## **(خلاصه ساختار مستند شاعرانه «اوخشامالار»)**

نویسنده: علی فردی

### **آرشیوی - مستند - سیاه و سفید**

رگبار گلوله های تیر بار - خمپاره ها - آرپی جی - خمسه خمسه - بی امان شلیک می کنند  
و جهنمی برپا می شود. از زمین و آسمان آتش و ترکش می بارد ....  
رزمنده ها هر کدام در وضعیت متفاوت به خاک و خون می غلتند  
آتشها ادامه می یابد - گلها همچنان پرپر می شوند .....

### **(فید اوت)**

اشک ها در چشمان کم سو و بی رمق - نگران و مضطرب مادران حلقه می زنند .....  
موسیقی آغاز می شود.  
عکسهای رنگ و رو رفته شهیدان میهن در کوی و برزن شهر بصورت پی در پی نمایان  
می شود.  
در روی تصاویر، **اوخشامالار** آغاز می شود و ادامه پیدا می یابد .....  
مادری با دست نحیف و پرچین و چروک بر سنگ قبر فرزندش می کشد و با سوز و گداز  
اوخشامالار سر می دهد.  
مادر دیگری در موقعیت دیگری اوخشامالار می خواند.

اوخشامالار با موسیقی حزین متن فیلم در هم آمیخته روی گلهای خشکیده گلدان ترک خورده باران می بارد.

### (فید اوت)

تابوتی پیچیده در پرچم، در مقابل عکس تمام قد و بزرگ رزمنده شهیدی قرار دارد. مادر با قامتی خمیده به سمت تابوت می آید و با دستان لرزانش پرچم را کنار می زند. جسد شهید به حجم و اندازه قنداق یک نوزاد پدیدار می شود. موسیقی آغاز می شود.

مادر قنداق را (جسد شهیدش) را بر می دارد و اوخشامالار و لالایی سر می دهد. تبسمی ملیح روی لبهای عکس تمام قد رزمنده شهید نمایان است.

### (زمان گذشته)

نیمه شب در کنار پنجره، مادر جوان، نوزاد خود را در آغوش گرفته و برایش لالایی و اوخشامالار متناسب با موقعیت می خواند.

### (زمان حال)

مادر سرش را بر می گرداند و با چشمان پر از اشک به عکس رزمنده می نگرد. روی تصویر عکس های مختلف شهیدان وطن متناسب با حس روانی فیلم، اوخشامالار یا موسیقی فیلم که از جنس اوخشامالار هست شنیده می شود.

جاده خالی و خاکی که به کویر تشنه می ماند تا افق امتداد یافته است.

کنار پنجره، مادری پیر و فرتوت با چشمان بی فروغش در کنار عکس فرزندش به انتظار در  
انتهای جاده خیره مانده است.

### (فید اوت)

روی عکس های شهیدان در بلوارهای شهر و نام شهیدان بر سر کوچه ها، یکی با نام یکی  
گمنام

صدای حزین اوخشامالار می آید ...

تصاویر که ادامه دارد منتهی می شود به تصویر مادران و خواهران و فرزندان شهدا که بر سر  
خاک عزیزانشان آمده اند.

رعد و برق شدید در فضا می پیچد و در افقهای دور تکرار می شود.

### (فید اوت)

شب باران می بارد در میان گورستان شهیدان، فوج عظیم سیاهپوشان (عزاداران)  
سینه و زنجیر می زنند...

تا چشم کار می کند عزاداران سیاهپوش هستند که برای شهیدان دفاع مقدس و برای  
شهیدان عاشورا، با شکوه فراوان سینه و زنجیر می زنند.

مداح با صدای بسیار حزین و غم انگیزی مرثیه می خواند.

مرثیه در حال و هوای جبهه و جنگ و شهیدان دفاع مقدس و عاشوراست. که با سوز و گداز  
و شکوه و عظمت در فضا طنین افکنده است .....